

پرسش ۴۷۹: خواب دیدن به دو درختی که منفجر شدند.

السؤال / ۴۷۹: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين  
وسلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته..

قبل فترة سمعت من أحد الأنصار وفقهم الله أن الإمام أحمد الحسن (ع) قال  
بإرسال رؤانا له سلام الله عليه... هذه رؤية أراني إياها الله سبحانه اليوم ( ۱۲ / ۱۰  
فجراً: ( ۲۰۰۹ / ۱۰

سؤال / ۴۷۹: بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين، اللهم صلّ على محمد وآل محمد الأئمة والمهدين و  
سلم تسليماً.

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

مدتی پیش از یکی از انصار (خدا ایشان را موفق بگرداند) شنیدم که سید احمد  
الحسن (ع) فرمودند که: خواب‌های خودمان را نزد ایشان بفرستیم. و این رؤیایی است  
که خداوند متعال در صبح روز (۲۰۰۹/۱۰/۱۲) به من نشان داد:

رأيت أن شجرتين في أم القيوين (منطقة في الإمارات) قد انفجرتا بركاناً  
فأنبتت زرعاً جميلاً جداً وكان الناس متعجبين بها، فقلت: هنا فقط اثنين وأنبتت هذا  
الزرع الخصب المختلف ألوانه، لعد إذا بالعراق اللي انفجر بيه ١٦ (أو ١٢ لا أنكر  
الرقم بالضبط) شجرة بركاناً شلون؟ أكيد كل أنواع الزرع موجود بالعراق.

در منطقه ام القیوین که منطقه‌ای در امارات است دو درخت منفجر شدند و به  
صورت آتش‌فشانی در آمدند که انفجارشان پیدایش باغی بسیار زیبا به همراه داشت که  
تعجب همه را برانگیخت پس با خود گفتم: اینجا فقط دو درخت هست که اینقدر  
مزارع قشنگ با رنگ‌های مختلف ثمره دادند چه برسد به کشور عراق که در آن ۱۲ یا

۱۶ (عدد را به یاد ندارم) درختی به صورت آتش فشان درآمدند؟ حتماً از آنها باغ و مزارعی با انواع و اشکال مختلف به وجود می‌آید...

فما رأیته هو أن الإمام أحمد الحسن(ع) أرسل وفداً إلى هناك كأن في ذلك المكان كنزاً أو ما شابه، والمكان كان كهفاً أظلم فيه الكثير الكثير من الجثث حيث أنه تحت الأرض، فلم أستطع الذهاب على أن المكان يحتاج إلى جهد، وفي الرؤية كان عندي مرض قلب أنا والسيد لاوي (بالحقيقة لا يوجد عندي مرض قلب، ولاوي هو اسم مستعار لأحد الأنصار في البالتوك)، فكنا ممنوعين من الذهاب. والذي ذهب من ضمن هذا الوفد هو بنتين في صفي بالمدرسة وهما ليستا من الأنصار واسمهما بشرى ويسرى. فبشرى اجتهدت أكثر من غيرها وكانت تحاول حل اللغز وتبحث بين الجثث (كان هنالك الكثير من الجثث والهياكل العظمية واحدة فوق الأخرى)، كان لحل اللغز معادلة كان يجب العمل وفقها، فبشرى حلت الكثير منها ولكن نست كيف تكمل وانتهت الرحلة بأن لم يعرف أحد كشف اللغز.

پس در آن هنگام دیدم که انگار سید احمد الحسن(ع) گروهی را به آنجا ارسال کردند که گویا آنجا گنجی بود که باید پیدا کنند! آنجا شبیه به غاری تاریک و در زیر زمین بود و جسدهای زیادی در آنجا بودند. رفتن به آنجا برای من مقدور نبود زیرا رفتن به آنجا همت و تلاش زیادی می‌خواست که در خواب به دلیل داشتن بیماری قلبی توانایی رسیدن به آنجا را نداشتم پس من و دوستم لاوی نمی‌توانستیم به آنجا برویم (من در حقیقت بیماری قلبی نداشتم و لاوی، اسم مستعار یکی از انصار امام(ع) در پالتاک می‌باشد) پس ما از رفتن ممنوع شده بودیم. از بین آن گروهی که سید احمد الحسن(ع) برای جستجو فرستاده بودند دو دختر بنام بشری و یسری بودند که از همکلاسی‌های من هستند و از پیروان امام(ع) نیستند. بشری تلاش بسیار زیادی برای حل معما می‌کرد و بین آن جسدها به جستجو می‌پرداخت. (آنجا اجساد بسیار زیادی بود که روی هم افتاده بود) گویا یک معادله‌ای وجود داشت که بر اساس آن باید پیش رفت، پس بشری خانم تلاش بسیار زیاد می‌کرد ولی انگار در نتیجه‌گیری این

معادله مشکل داشت و توانایی تکمیل حل معما را نداشت و بالاخره هیچ کس نتوانست آن معما را حل کند،

فالإمام أحمد الحسن(ع) تكلم مع بشرى وأخبرها أنها نسيت جزء بسيط من عندها، لو عرفته لحلت المسألة التي اجتهدت فيها كله، فهز الإمام أحمد الحسن رأسه (باتجاه من فوق إلى الأسفل) وشرح لها كيف المفروض كان أن تكمل.

سپس امام احمد الحسن(ع) با بشری حرفی زد و به او فهماند که در حل معما یک چیز ساده را از یاد برده که اگر آن را می دانست براحتی می توانست معما را حل کند، سپس امام(ع) سر مبارک شان را به سمت پایین تکانی داد و برای او چگونگی تکمیل حل مسئله را شرح دادند.

ثم جاءت لي البنت الأخرى وهي يسرى وقالت لي عن الرحلة: المنظر كان فظيع، جثث فوق بعضها، والريحة فظيعة ولكنهم ساعدونا (تقصد المشرفين هناك في المكان) حيث أنهم يشيلوا الجثث ولكن الريحة فظيعة، وأنها رأت أحد من أقاربها مات منذ فترة اسمه علي، وجدته بين الجثث، قالت إن الجثة تشبهه كثيراً يمكن أن يكون هو. انتهى.

سپس آن دختر خانم دیگر که یسری نام داشت پیش من آمد و گفت اجساد زیادی در آنجا بودند که از آنها بوی متعفن و نا مطبوعی خارج می شود، به طور کلی منظره ای شگفت انگیز بود ولی بهرحال (منظورش مسئولین آنجا) در حمل اجساد به ما کمک می کردند، هم چنین گفت گویا یکی از بستگانش که اسم او علی بود و مدتی قبل فوت کرده، در بین آن اجساد است. و گفت که آن جسد، بسیار شبیه او بود و گمان می کنم که خود او باشد. رؤیا تمام شد.

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين وسلم تسليماً. والحمد لله وحده وحده وحده.. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

المرسل: .....

اللهم صل على محمد وآل محمد الأئمة و المهديين و سلم تسليماً. والحمد لله  
وحده وحده وحده.. و السلام عليكم و رحمة الله و بركاته.

فرستنده: .....

**الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم**

والحمد لله رب العالمين، وصلى الله على محمد وآل محمد الأئمة والمهديين  
وسلم تسليماً.

الأشجار تمثل بعض المؤمنين وفقهم الله، وتفجر الأشجار وإنباتها  
الثمار المختلفة أي علم يظهر من بعض الأنصار الذين يرزقهم الله العلم  
والمعرفة ويعلمون الناس.

**الجواب: بسم الله الرحمن الرحيم**

و الحمد لله رب العالمين، و صلى الله على محمد و آل محمد الأئمة و المهديين و  
سلم تسليماً.

درختان مثال بعضی از مومنان است خداوند آن‌ها را توفیق دهد، و شکفتن درختان  
و رویدن میوه‌ها یعنی علمی که از بعضی انصار ظاهر می‌شود، علم و معرفتی که  
خداوند روزی آن‌ها نموده است و مردم می‌دانند.

أما بالنسبة للكهف والغز وبشرى ويسرى، فهذه الرؤيا تبين لكم أن  
تعجيل الفرج بأيديكم ويعتمد على عملكم أنتم وإخلاصكم في العمل  
وصبركم، والأسماء بشرى ويسرى المراد بها معنى الأسماء أي من  
التبشير والتيسير. والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة/ ١٤٣٠ هـ

اما نسبت به غار و معما و بشری و یسری، پس این رؤیا برای شما روشن می‌کند که  
تعمیل فرج در دستان شماست و بستگی به عمل شما و اخلاص شما در عمل و  
صبرتان دارد، و منظور از نام‌های بشری و یسری معنای آن نام‌هاست، که از بشارت و  
مژده و آسانی می‌آیند. و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

أحمد الحسن - ذو الحجة / ۱۴۳۰ هـ

